



روایت کلی زندگی

ما یک خانواده هنرمند طرفدار محیط زیست هستیم. مرد خانواده (حمید نیکدل) کارشناس صنایع دستی، پیکر تراش، پرفورمنس آرتیست و یک طراح و ایده پرداز هنری است و بانوی خانواده (شیمار رئیس) کارشناس ارشد پژوهش هنر، نقاش و یک مدیر روابط عمومی تمام عیار است. خانواده ما در مشهد و در طول اجرای آثار هنری در رابطه با محیط زیست کشور عزیزمان شکل گرفت. اما شروع آشنایی ما در دانشگاه و در مسیر تدریس هنر به وقوع پیوست و این آشنایی ساده با طی مسیر اجرای آثار هنری مشترک و ایجاد هر چه بیشتر شناخت متقابل به تصمیم برای ادامه مسیر زندگی برای ایرانیان، تبدیل شد. این سفر پر ماجرا با ورود به سیستان و بلوچستان و این چراغ جادو، رنگ و بویی خاص به خود گرفت و از همیشه پرماجرتر و زیباتر شد. هدف از این سفر، به دست آوردن شناخت کامل از منطقه‌ای بود که از دور به عنوان بحرانی‌ترین منطقه ایران به ما معرفی شده بود. اما سفر در این مسیر به ما نشان داد که تنها یک بحران واقعی در این منطقه وجود دارد و آن، نابودی تدریجی محیط زیست و اکوسیستم منطقه، به دلیل سست شدن پیوند میان مردم و محیط زیست و همچنین، به کارگیری روش‌های کشاورزی مخرب آن است. پس یک پروژه خاص با نام «باغ بهشت» را طراحی کردیم تا بتوانیم کشاورزی این استان را با محیط زیست همگام و از کود و سموم شیمیایی، پاکسازی کنیم. ما هم اکنون در حال ایجاد باغچه‌های خانگی در دو روستای منطقه بحرانی، سیستان و بلوچستان هستیم و با این کار به روستاییان، روش‌های کشاورزی محیط زیستی را آموزش داده و آنها را با نتیجه کار، شگفت‌زده می‌کنیم.

اگر نکته‌ای می‌خواستید گفته شود و ما نپرسیدیم، در خدمتیم.

اجازه دهید به عنوان کلام آخر، از سیستان و بلوچستان برایتان بگویم. سیستان و بلوچستان، به راستی بسیار ثروتمند است. در جامعه ایران، این نگاه رایج وجود دارد که این منطقه بسیار محروم است. اما محروم از چه؟ از امکانات مدرن شهری و کلانشهری؟ بله، درست است. اما آیا باید تمام تلاشمان را صرف تبدیل زاهدان یا نیکشهر یا سراوان و هر شهری دیگری در این منطقه، به یک تهران دیگر، اصفهان دیگر، تبریز دیگر و یا هر کلانشهر دیگری کنیم؟ آیا باید نگاهی از بالا به پایین به این عزیزان داشته باشیم؟ توجه کنیم که هیچ‌گاه نباید یک نقشه و ساختار پیشرفت یکسان را در همه کشور ایجاد کرد. باید نقشه پیشرفت این استان، منطقه به منطقه و متناسب و در پیوند با فرهنگ آن به اجرا درآید تا این ثروت عظیم، دچار از هم گسیختگی فرهنگی نشود. از سوی دیگر تجربه زندگی ما در این استان، نشان داده است که این استان بسیار امن و دارای قابلیت‌های بالای پیشرفت منطقه‌ای است. فرصت‌های گردشگری و معادن و همجواری با مرز زمینی و دریای آزاد، فقط فرصت‌های اولیه این منطقه هستند. شاید مهمترین فرصت این منطقه، بافت جمعیتی جوان و باهوش آن است که باید به کارگیری شده و از هدر رفتن و حتی تغییر مسیر آنها در مواجهه با فرهنگ‌های غیر بومی، جلوگیری شود.

خورده‌ایم. در این استان، در تمام خانه‌ها به روی میهمان باز است، اما شبکه بهم پیوسته اجتماعی در این منطقه می‌تواند شیرینی روابط را دوچندان کند. به عنوان مثال، شما در این استان، با ۱۰ نفر ارتباطی مداوم و پیگیر دارید، حال شما در همه استان و در همه شهرها و روستاها، دارای پیشینه اجتماعی و اعتبار ویژه هستید. ما نیز تلاش کردیم با تکیه بر همین پشتوانه مردمی، همه داشته‌های خود را در خدمت تهیه هر چه بهتر این برنامه قرار دهیم.

حالا که از پخش بیکرانه، چند وقتی گذشته، مردم منطقه چه واکنش‌هایی به شما از این برنامه داشته‌اند؟

پیش از این عرض کردیم که جامعه سیستان و بلوچستان، دارای شبکه پیوسته خاص خود است. حالا مگر می‌شود که یک خانواده از استانی دیگر، چند سال، روستا به روستا و خانه به خانه سفر کنند و عده‌ای بی‌خبر باشند؟ حالا این نکته را بر آن بیفزاییم که با این پیش زمینه، در یک برنامه رسمی از شبکه یک سیما، به عنوان یک خانواده، در حال به نمایش گذاشتن زیبایی‌ها و جاذبه‌های اجتماعی این جامعه باشید. خبر همه جا منتشر می‌شود و همه بازخوردهای همراه با محبت و لطف خود را به سمت شما سوق می‌دهند. از همسایه‌ای که از صفحه تلویزیون فیلم می‌گیرد و به دیگران نشان می‌دهد و به داشتن همسایه‌ای چون شما افتخار می‌کند، تا عزیزانی که در روستاهای دور دست ما را در قاب تلویزیون می‌بینند و خبر را سینه به سینه به دیگران می‌رسانند تا همه باهم برنامه و حتی گاهی تکرار آن را هم ببینند. اینجا واکنش‌ها، فقط سرشار از محبت و لطف است و ما را بیش از پیش مدیون این مردم مهربان می‌کند.

صمیمانه و ساده و زیباتر از تمام مناطقی است که پیش از این تجربه کرده‌ام. اینجا من با یک خانواده بزرگ روبه‌رو هستم که من را به عنوان عضوی از این اجتماع بهم پیوسته پذیرفته‌اند. در هیچ شهر یا روستا و خانه‌ای از این استان، احساس غربت نداشته‌ام و مهربانی و لطف این خانواده بزرگ را در درجاتی بیش از هر جای دیگر از جامعه مهربان ایران، تجربه کرده‌ام. شاید به این دلیل که این منطقه، کمتر از هر جای ایران، دچار بیماری ساختارهای زندگی شهر و ابرشهری شده است.

مسعود نیکدل: شاید بهترین توصیف من از سیستان و بلوچستان، همان اسمی است که برایش انتخاب کرده‌ام. «چراغ جادوی ایران!». این منطقه سرشار از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های جذابی است که تشنه چشیدن آنها هستیم. بله! همه ما مردم شهرنشین و درگیر زنده‌مانی شهری، تشنه چشیدن آرامش و ثبات فرهنگی این منطقه هستیم. این تشنگی برای ما به نوعی نیاز مداوم تبدیل می‌شود که دیگر نمی‌توانیم از آن جدا شویم. دیگر نمی‌توانیم زندگی در ابرشهرها و حتی شهرها را تاب بیاوریم. اینجا همه چیز ساده و صمیمی و پربرکت است و این برکت، حتی در سکوت شبانه‌گاهی و تعداد ستارگان آسمان هم خودش را به رخ می‌کشد.

زندگی در این منطقه، چه کمکی به پیشبرد کارتان در بیکرانه داشت؟

زندگی اجتماعی، بر پایه ارتباط با جامعه است. در این منطقه به طور مداوم در حال آشنایی و ایجاد ارتباط اجتماعی با پدیده‌های جدید هستیم. این نکته، همیشه ما را برای ارتباط گیری با هر سوزه جدیدی، آماده و تشنه نگه داشته است. این مهمترین دستاورد زندگی در این منطقه، در جهت نیاز بیکرانه بود. اما در کنار آن و در سطحی بسیار بالاتر، مهمترین ثروت خانواده ما در این استان، تمام عزیزانی هستند که آنها را از نزدیک می‌شناسیم، با آنها زندگی کرده‌ایم و نان و نمک

